

# بررسی سببی‌های ساختوازی زبان روسی در گروه‌واژه‌های پایدار دارای حرف اضافه «OT» و مشکلات مربوط به بیان آن‌ها برای فارسی‌زبانان

میریلا احمدی<sup>۱\*</sup>، شلیر ابراهیم شریفی<sup>۲</sup>

۱. دانشیار گروه زبان روسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان روسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۸۹/۳/۲

پذیرش: ۸۹/۷/۲۱

## چکیده

سببی‌ها جزء جهانی‌های ذهن هستند و همواره در همه زبان‌ها خود را نمایان می‌سازند. با توجه به اصل نسبیّت زبان، واقعیت‌های زبانی بر واقعیت‌های جهان خارج منطبق نیستند و این عدم‌تطابق هم در عرصه واژگان و هم در دستور زبان‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. با توجه به تفاوت‌های ساختاری زبان‌های روسی و فارسی، امکانات زبانی برای بیان سببی‌ها در دو زبان متفاوت است. بدین علت تداخل زبان مادری می‌تواند باعث ایجاد مشکلاتی در یادگیری و بروز خطاهای زبانی مربوط به بیان سببی‌ها از طرف زبان‌آموزان باشد. با استناد به یافته‌های زبان‌شناسی مقابله‌ای می‌توان با مقایسه زبان‌ها خطاهای محتمل را پیش‌بینی و برای ممانعت از وقوع آن‌ها برنامه‌های صحیح آموزشی را تدوین کرد. مقاله حاضر خطاهای ایجادشده مربوط به بیان سببی‌ها را در گروه‌واژه‌های پایدار با حرف اضافه «OT» و دلایل ایجاد تداخل زبانی و خطاهای ترجمه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سببی، تداخل، گروه‌واژه پایدار، حرف اضافه، ترجمه.

فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی  
د. ا. ش. ۳، پاییز ۱۳۹۹

Email: mireyla@modares.ac.ir

\* نویسنده مسئول مقاله:



## ۱. مقدمه

طبق یافته‌های زبان‌شناسان یکی از مهم‌ترین روش‌های آموزش زبان خارجی، روش مقابله‌ای است. از آنجا که طبقه‌بندی زبان‌ها از واقعیت‌های جهان خارج متفاوت است، به کمک تحلیل مقابله‌ای، یعنی با مقایسه ساختارهای زبان مبدا و زبان هدف می‌توان خطاهایی را که از وجود تفاوت‌ها سرچشمه می‌گیرد، شناسایی کرد، درک نمود و روش‌های صحیح آموزشی را پایه‌گذاری کرد.

از آنجاکه مفاهیم زبانی نه‌تنها به وسیله واژگان زبان، بلکه با تکیه بر امکانات زبانی موجود در زبان بیان می‌شود، شناخت امکانات زبانی از عوامل ضروری در انتقال مفاهیم و یادگیری زبان‌ها به‌شمار می‌رود. زبان‌های فارسی و روسی با وجود تعلق به خانواده زبان‌های هندو اروپایی در نظام دستوری خود دارای تفاوت‌های فاحشی می‌باشند. زبان روسی زبانی تصریفی است که حالت‌های دستوری و معنایی در آن به وسیله ابزارهای صرفی و نحوی بیان می‌شود و زبان فارسی زبانی تحلیلی است که برای بازشناسی کلمات در آن نمی‌توان از ملاک‌های صرفی استفاده کرد.

«سببی‌ها<sup>۱</sup> به عنوان یکی از جهانی‌های ذهن انسان همواره در تمامی زبان‌ها وجود دارند» (ویلی، ۱۹۹۷: ۱۹۳). «دستور شناختی وجود سه ساخت عمده سببی ساختواژی، واژگانی و تحلیلی را برای تمامی زبان‌ها مشترک می‌داند» (کامری، ۱۹۹۲: ۱۶۶). البته بسامد و میزان وقوع هر یک از این ساختارها از زبانی به زبان دیگر متفاوت است و علاوه بر سه ساختار مذکور، روش‌های دیگری نیز برای بیان سببی‌ها در زبان‌ها وجود دارد.

این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤال زیر است:

دلیل بروز خطاهای مربوط به کاربرد سببی‌های ساختواژی با حرف اضافه «от» توسط روسی‌آموزان فارس‌زبان چیست؟

این پژوهش این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که خطاهای موجود ناشی از پدیده تداخل زبان مادری است که می‌توان با تحلیل خطاها از بروز آن‌ها جلوگیری کرد. در دو زبان محققان به تفصیل، ساختارهای سببی را بررسی کرده‌اند، اما تاکنون کار مقایسه‌ای به‌گونه‌ای که رویکرد نویسندگان است، صورت نگرفته است.

1. каузативы

این پژوهش، تحقیقی توصیفی-تحلیلی خواهد بود. روش کار بدین طریق است که ابتدا سببی‌های ساختواژی زبان روسی در ساختار گروه‌واژه‌های پایدار اسمی-فعلی را به زبان فارسی برگردانده، سپس نحوه برگرداندن همان مفاهیم به زبان روسی را مقایسه کرده و در نهایت خطاهای ناشی از تداخل زبانی روسی-آموزان فارس‌زبان را تحلیل خواهیم کرد.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. تداخل و تأثیر آن بر یادگیری زبان

اصلاح تداخل<sup>۱</sup> اولین بار توسط زبان‌شناسان پاریسی وارد ادبیات زبان‌شناسی شد و بعد از انتشار اثر و. وینراش به نام *ارتباطات زبانی* که از انتشارات مکتب زبان‌شناسی نیویورک بود، به سرعت گسترش یافت. و.و. وینوگرادف تداخل را چنین تعریف می‌کند:

نظام ارتباطات زبانی متقابل در افراد دو زبانه، که هنگام ارتباطات زبانی و یا تسلط فردی بر زبان غیرمادری به وجود می‌آید. تداخل، انحراف از هنجارها و نظام زبان مادری است که در نتیجه تأثیر زبان مادری به وجود آمده است (وینوگرادف، ۱۹۹۰: ۱۹۷).

زبان وسیله‌ای است برای گزارش اندیشه‌ها و واقعیات عالم خارج، پس میان زبان و واقعیات عالم خارج رابطه مداوم وجود دارد.

از آنجا که واقعیات و مفاهیم در دنیای خارج طبقه‌بندی شده نیستند، در هر زبانی برای نامیدن هر یک از مصداق‌های جهان خارج طبقه‌بندی خاصی وجود دارد، پس واقعیات‌های زبانی نسبی و در زبان‌های مختلف متفاوت‌اند؛ بدین ترتیب اصل نسبیت در زبان مطرح می‌شود که بر پایه دو اصل استوار است:

۱. زبان تصویر درستی از واقعیات‌های جهان خارج به دست نمی‌دهد.

۲. هر زبانی تصویر متفاوتی از واقعیات جهان خارج به دست می‌دهد (باقری، ۱۳۷۸: ۶۷).

با توجه به این اصل، عدم‌انطباق در زبان‌های مختلف تنها به واژگان محدود نمی‌شود، بلکه نظام‌های زبانی مختلف نیز با هم متفاوت‌اند و هر زبانی چهارچوب دستوری خاص خود را دارد. «همه زبان‌ها نظام‌مند هستند، یادگیری یک زبان یادگیری یک نظام است. فرآیند یادگیری زبان الزاماً با خطا همراه است و تقریباً یک سوم خطاهای بزرگسالان از تفاوت‌های موجود میان زبان مادری و زبان خارجی مورد آموزش سرچشمه می‌گیرد» (فالک، ۱۳۷۷: ۴۹۸).

1. интерференция



تفاوت‌های میان زبان‌ها به شکل خطاهای ناشی از تداخل در گفتار زبان‌آموزان جلوه‌گر می‌شود. به کمک تحلیل مقابله‌ای می‌توان زبان‌ها را با هم مقایسه کرد، انحرافات از هنجارهای زبانی را مشاهده کرد و دلیل عدم انطباق‌ها در شکل‌گیری زبان خارجی را که در نتیجه غلبه ناموفق بر اصول زبان مادری ایجاد می‌شود، مشخص کرد.

### ۳. سببی‌ها و نحوه بیان آن‌ها

مطابق رویکرد زبان‌شناسی شناختی، زبان بخشی از شناخت کلی انسان است که بر پایه تجربیات وی از جهان و روش تفسیر آن بنا شده است. از طرفی نظام ساخت‌های سببی نقش مهمی در تجربیات انسان ایفا می‌کند و بخشی از شناخت عام انسان به‌شمار می‌آیند. بنابر نظر لیکاف (۱۹۸۷: ۵۴-۵۵)، سببی‌سازی مفهومی است که در اندیشه هر انسانی وجود دارد. اینکه افراد چگونه یک مفهوم سببی را درک می‌کنند یا چگونه سبب‌ساز بروز رویدادی را شناسایی می‌نمایند، تا حدی مرتبط با نگرش‌های شناختی به زبان است. نظام ساخت‌های سببی نقش مهمی در شکل‌دهی تجربیات انسان ایفا می‌کند.

سببی‌سازی مسائل عمده‌ای را پیش روی زبان‌شناسی شناختی قرار داده است: ماهیت مقوله‌ها، رابطه بین زبان و شناخت، نقش هنجارهای فرهنگی و اجتماعی در توضیح و تبیین ساخت‌های سببی، همگی مواردی هستند که دستور شناختی در تبیین ساخت‌های سببی بدان‌ها متوسل می‌شود (لی، ۲۰۰۱: ۱۵۷).

از دیدگاه رده‌شناسی زبان، سببی‌سازی جزء جهانی‌های ذهن انسان است و در همه زبان‌ها به کمک ساختارهای دستوری ویژه‌ای ظاهر می‌شود. سه ساخت عمده سببی ساختارهای واژگانی<sup>۲</sup> و تحلیلی<sup>۳</sup> را می‌توان در تمامی زبان‌ها یافت. علاوه بر این سه ساخت، زبان‌های مختلف برای رمزگذاری مفهوم سببی از روش‌های متفاوتی بهره می‌گیرند.

«دو جمله‌واره می‌توانند بدون آنکه صریحاً رابطه سببی را نشان دهند، در کنار یکدیگر قرار گیرند و القاء‌کننده مفهوم سببی باشند: «من خندیدم. او ناراحت شد»، ممکن است یک حرف ربط زمانی خواننده یا شنونده را به سوی تعبیر و تفسیری سببی رهنمون کند: «به محض اینکه

1. морфологический каузатив  
2. лексический каузатив  
3. аналитический каузатив

خندیدم، او ناراحت شد» و نیز ممکن است وجود حرف ربطی خاص که صریحاً سببی‌سازی را القاء می‌کند (حرف ربط سببی) مفهوم سببی را به تصویر بکشد: «چون خندیدم، ناراحت شد» (ویلی، ۱۹۹۷: ۱۹۳-۱۹۴).

از سوی دیگر کامری نیز معتقد است که گویشوران زبان‌ها به منظور نشان‌دادن سببی‌سازی در زبان خود یا از حروف اضافه سببی استفاده می‌کنند: «به‌خاطر خندیدن من ناراحت شد»، یا گزاره‌های منفرد سببی‌سازی را به‌کار می‌برند: «خندیدن من سبب شد که او ناراحت شود» و یا از گزاره‌هایی استفاده می‌کنند که خود به تنهایی دارای مفهوم سببی است: «علی حسن را کشت» (کامری، ۱۹۹۲: ۱۶۶).

طبق تعریف دبیر مقدم در مورد ساخت‌های سببی می‌توان گفت: «ساخت‌های سببی، به مجموعه جملاتی اطلاق می‌شود که در آن شخصی، حادثه‌ای یا پدیده‌ای محرک و انگیزه‌ای می‌شود تا شخص دیگری یا شیئی، عملی را انجام دهد، پذیرای حالتی شود یا در حالتی باقی بماند» (دبیر مقدم، ۱۳۶۷: ۱۴).

هر جمله سببی شامل سه عنصر اصلی است:

- ۱) سبب‌ساز: محرک اصلی انجام عمل یا پذیرفته‌شدن حالت است.
- ۲) سبب‌پذیر: آن بخشی که پذیرای تغییر حالت یا انجام عملی است.
- ۳) فعل سببی: عنصری است که بین سبب‌ساز و سبب‌پذیر ارتباط برقرار می‌کند. فعل سببی یا خود حامل محتوای سببی است یا به طرق مختلف مفهوم سببی را نشان می‌دهد (مثلاً به روش وندافزایی).

در یک ساخت سببی روابط دستوری عناصر به‌گونه‌ای تصادفی ظاهر نمی‌شوند. همیشه عنصر سبب‌ساز هسته و سبب‌پذیر وابسته قرار می‌گیرد. ساخت سببی در زبان فارسی به دلیل شباهت صوری و معنایی آن با ساخت افعال متعدی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. بسامد و میزان وقوع انواع سببی‌ها در زبان‌های مختلف متفاوت است. ویلی معتقد است زبان‌هایی که به‌لحاظ ساختواژی در رده زبان‌های گسسته قرار می‌گیرند، تمایل به کاربرد سببی تحلیلی دارند؛ در حالی که زبان‌های پیوندی، مایل به استفاده از سببی ساختواژی هستند (ویلی، ۱۹۹۷: ۱۹۲).

1. каузатор  
2. каузируемый  
3. каузитивный глагол



زبان روسی زبانی تصریفی است که در آن صورت واژگان به منظور نشان‌دادن تغییرات معنایی یا نقش‌های نحوی تغییر می‌کند؛ به عبارت دیگر معنای دستوری و معنای لغوی در ساختمان کلمه با هم ترکیب می‌شوند. در نتیجه در زبانی تصریفی مانند زبان روسی باید تمایل به استفاده از ساختارهای سببی ساختارهای بیشتر باشد، برای مثال در جمله *Ветром сорвало крышу* معنای سبب‌ساز توسط پایانه *-OM* به اسم اضافه می‌شود. پایانه *-OM* در این کلمه معادل حرف اضافه سببی «به وسیله/توسط» در زبان فارسی است. این جمله در زبان فارسی به این صورت ترجمه می‌شود: «شیروانی توسط باد کنده شد». از سوی دیگر زبان فارسی زبانی تحلیلی است و طبق ویژگی زبان‌های تحلیلی، صورت واژگان ثابت و نقش‌های دستوری توسط واژگان منفرد مشخص می‌شود (به عنوان مثال ترجمه جمله بالا). پس در زبان فارسی باید تمایل به استفاده از سببی‌های تحلیلی بیشتر باشد.

از مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که وقوع سببی‌های ساختارهای در زبان روسی بیشترین بسامد و در زبان فارسی کمترین بسامد را دارد. با این توصیف طبیعی به نظر می‌رسد که روسی‌آموز فارسی‌زبان به دنبال آن باشد که مفاهیم سببی خود را هر چه بیشتر در قالب سببی‌های واژگانی و تحلیلی بیان کند تا سببی‌های ساختارهای.

#### ۴. تفاوت‌های ساختاری زبان‌های فارسی و روسی

زبان‌های فارسی و روسی از نظر ساختاری با هم تفاوت دارند. در زنجیره گفتار، کلمات توسط ابزارهای دستوری به هم متصل هستند. در زبان روسی ارتباط متقابل بین کلمات مستقل از یکسو و ارتباط بین کلمات مستقل<sup>۱</sup> و وابسته<sup>۲</sup> از سوی دیگر، ابزارهای دستوری سازنده گروه‌واژه و جمله به‌شمار می‌آیند.

گروه‌واژه<sup>۳</sup>: واحدی کوچک‌تر از جمله است که اجزای سازنده آن به کمک رابطه نحوی وابستگی<sup>۴</sup> از نوع همسانی<sup>۵</sup>، حاکمیت (هدایت نحوی)<sup>۶</sup> و همنشینی<sup>۷</sup> با یکدیگر ترکیب شده باشند.

1. знаменательное слово
2. служебное слово
3. словосочетание
4. подчинительная связь
5. согласование
6. управление
7. примыкание

هنگامی که کلمات در ساختار گروه‌واژه‌های وابستگی پایدار<sup>۱</sup> به‌موجب ویژگی ترکیب‌پذیری خود و به کمک رابطه نحوی با یکدیگر ترکیب می‌شوند، نوعی رابطه معنایی میان آن‌ها به‌وجود می‌آید که نسبت نحوی<sup>۲</sup> نامیده می‌شود. نسبت نحوی معادل معنای کل گروه‌واژه است. براین‌اساس گروه‌واژه‌ها به سه دسته اصلی گروه‌واژه وصفی<sup>۳</sup>، گروه‌واژه قیدی<sup>۴</sup> و گروه‌واژه مفعولی<sup>۵</sup> تقسیم می‌شوند. گ.آ.زالاتووا برای مفاهیم بیان‌شده توسط گروه‌واژه‌ها، تقسیم‌بندی جزئی‌تری قائل است:

گروه‌واژه‌ها با حرف اضافه «от» می‌توانند دربردارنده مفاهیمی چون:

каузатив (خوشحال از ملاقات): радость **от** встречи (بیانگر دلیل و سبب)

сурсив (نور فانوس): свет **от** фонаря (بیانگر منشاء خبر یا حالت)

директив (دور شدن از خانه): отойти **от** стола (بیانگر جهت)

темпоратив (نامه پنج ژانویه): письмо **от** пятого января (بیانگر زمان)

و ... باشند (زالاتووا، ۲۰۰۱: ۳۹۲-۳۹۴).

رابطه نحوی وابستگی در زبان روسی به وسیله ابزارهای صوری بیان می‌شود. یکی از این ابزارها قراردادن کلمه پیرو در حالت دستوری و استفاده از حروف اضافه حالت دستوری مربوطه است؛ «از ترس سکوت کردن». بنابراین حروف اضافه اگرچه خود جزء اقسام وابسته کلام و فاقد معنای مستقل هستند، در ساختار گروه‌واژه‌های پایدار وارد می‌شوند و عاملی مهم در القاء و تعیین معنای گروه‌واژه‌ها به‌شمار می‌آیند.

زبان فارسی فاقد مقوله دستوری حالت<sup>۶</sup> است و روابط نحوی و معنایی بین اجزای گروه واژه‌ها و جملات به کمک حروف اضافه، حالت اضافه و نشانه مفعولی (را) بیان می‌شود. بنابراین «گروه‌واژه‌ها در ساختار زبان فارسی با توجه به مقوله واژگانی عناصر هسته به گروه‌واژه‌های اسمی، فعلی، صفتی، قیدی و حرف اضافه‌ای تقسیم می‌شوند» (افراشی، ۱۳۸۶: ۱۲۰). همچنین «حروف اضافه در زبان فارسی فاقد معنای مستقل بوده و تنها برای مرتبط‌ساختن اجزای جمله به یکدیگر و یا بیان نسبت میان دو کلمه و یا نشان‌دادن نقش نحوی به‌کار می‌روند» (عماد افشار،

1. устойчивое словосочетание
2. синтаксическое отношение
3. определительное словосочетание
4. обстоятельственное словосочетание
5. объективное словосочетание
6. падеж



۱۳۷۳: ۱۹۱.

با توجه به آنچه گفته شد، حروف اضافه در هر دو زبان بیانگر ارتباطات نحوی هستند و عامل ایجاد گروه‌واژه‌های پایدار ساختاری - معنایی به‌شمار می‌روند؛ لذا شناخت عملکرد و معنای حروف اضافه در تشخیص معنای گروه‌واژه‌ها و برای درک مفهوم جمله و متن ضروری است.

با توجه به نقش تبیین‌کننده معنایی حروف اضافه در هر دو زبان و امکان نزدیکی یا تقابل معنایی آن‌ها در ساختار گروه‌واژه‌ها، ایجاد تداخل زبانی در گفتار روسی فارسی‌زبانان و بروز خطا امری طبیعی به‌نظر می‌رسد.

در ادامه گروه‌واژه‌های سببی زبان روسی را که در آن‌ها مفهوم سببی به‌وسیله حروف اضافه «от» بیان شده است، مورد بررسی قرار می‌دهیم، امکانات موجود در زبان فارسی برای ترجمه آن‌ها را ذکر می‌کنیم و در نهایت با بیان نحوه برگردان همان مفاهیم به روسی ماهیت خطاهای موجود را تشریح خواهیم کرد.

## ۵. گروه‌واژه‌های پایدار سببی دارای حرف اضافه «от» و تأثیر تداخل زبان مادری در نحوه بیان آن‌ها

۱. Он покраснел от стыда: این جمله به صورت «او از خجالت سرخ شد» به فارسی ترجمه می‌شود و همین مفهوم به این صورت به روسی برگردانده می‌شود:

«Он покраснел из стыда.»

در چنین مواردی کاربرد اشتباه حرف اضافه «из» به جای حرف اضافه «от» از آنجا ناشی می‌شود که در زبان فارسی فقط یک حرف اضافه برای بیان مفهوم «از» وجود دارد. دلیل دیگر این است که در مراحل اولیه آموزش، تفاوت بیان معنای «از» بیان‌شده توسط حروف اضافه «от» و «из» و موارد کاربرد هر یک از آن‌ها برای زبان‌آموزان مشخص نشده است؛ یعنی زبان‌آموز هنوز نمی‌داند در زبان روسی چگونه ارتباط بین سبب‌ساز و سبب‌پذیر است که تعیین می‌کند کدام حرف اضافه سببی در ساختار ترکیب مربوطه وارد شود. جمله زیر نمونه مشابه دیگری از بروز خطا در بیان ساختار مشابه است:

Услышав этот страшный звук, я остановился и замер от ужаса.



«بعد از اینکه آن صدای وحشتناک را شنیدم، متوقف شدم و از ترس خشکم زد» که به این صورت توسط زبان‌آموزان به روسی برگردانده می‌شود:

«Услышав этот страшный звук, я остановился и замер из ужаса.»

۲. «Наша одежда промокнула от дождя»؛ این جمله به صورت «باران لباسمان را خیس کرد» به فارسی ترجمه می‌شود و طبعاً زبان‌آموز این مفهوم را دوباره با همین ساختار به زبان روسی برمی‌گرداند:

«Дождь промокнул нашу одежду.»

خطای این ترجمه در این است که فعل سببی «خیس کردن» در جمله فارسی به‌عنوان معادلی برای فعل غیرسببی «خیس شدن» در نظر گرفته شده است و از همین جاست که زبان‌آموز تصور می‌کند می‌تواند این فعل را به‌عنوان فعل سببی در جمله خود قرار دهد.

این جمله می‌تواند به‌صورت معادل روسی «Наша одежда промокнула дождем.» (لباس‌هایمان توسط باران خیس شد) نیز ترجمه شود. در چنین شرایطی هرچند موقعیت سبب‌ساز و سبب‌پذیر در جمله فارسی با جمله روسی مطابقت می‌کند، باز هم سبب‌پذیر به وسیله ساختار نامنطبق با معادل روسی خود بیان می‌شود. نمونه مشابه دیگری از ساختار مربوطه و خطای مشابه:

«го лицо почернело от солнца.»

این جمله به این صورت به فارسی ترجمه می‌شود: «آفتاب صورتش را سیاه کرد» و در برگردان آن به زبان روسی خطای فوق مجدداً بروز می‌کند. Солнце почернело его лицо. اشتباه در انتخاب فعل سببی مناسب، یعنی استفاده نادرست از فعل غیرسببی «سیاه شدن» در بیان مفهوم سببی «سیاه کردن» و یا ترجمه جمله به این صورت که با وجود استفاده صحیح از فعل سببی و مطابقت جایگاه اجزای کلام از نظر تأکید گوینده، باز هم به دلیل عدم استفاده از ساختار سببی ساختوازی با ساختار روسی مطابقت ندارد:

Его лицо почернело солнцем. «صورتش با آفتاب سیاه شد»

۳. «меня на душе становится легко от ваших слов»؛ جمله مربوطه به دو صورت «با حرف‌هایتان آرام شدم» و «حرف‌هایتان من را آرام کرد» به فارسی برگردانده می‌شود. اگر زبان‌آموز نسبت به این مسئله آگاهی داشته باشد که در زبان روسی آنچه اهمیت دارد،



(مقصود گوینده است، یعنی آنچه گوینده در مورد آن خبر می‌دهد، در پایان جمله می‌آید، در زبان فارسی عکس این قضیه صادق است) جمله دوم را برمی‌گزیند؛ یعنی جمله‌ای که سبب‌ساز در موقعیت نهاد قرار می‌گیرد و سبب‌پذیر مفعول واقع می‌شود. در چنین شرایطی جملات فارسی فوق به این صورت به روسی برگردانده می‌شوند:

«Я успокоился с вашими словами.»

«Ваши слова успокоили меня.»

که البته هیچ‌یک منطبق بر ساختار اصلی نیست. نمونه مشابه دیگری از خطا در بیان ساختار مشابه:

Все наши способности развиваются от их употребления в дело, от работы.

«تمام قابلیت‌های ما با به‌کارگیری آن‌ها در کار و با کارکردن افزایش می‌یابد.» و این

ترجمه با این ساختار به روسی برگردانده می‌شود:

«Все наши способности развиваются с их употреблением в дело и с работой.»

Когда человек плачет от собственной боли, это значит, что он живой. Если человек плачет от боли другого, это значит, что он человек.

جمله فوق به این صورت ترجمه می‌شود:

«زمانی‌که انسان به خاطر درد خودش گریه می‌کند، این نشان می‌دهد که او زنده است.

اگر انسان به خاطر درد دیگری گریه کند، بدان معناست که او انسان است.»

و معادل روسی این عبارت بدین صورت بیان می‌شود:

«Когда человек плачет для собственной боли, это значит, что он живой. Если человек плачет для боли другого, это значит, что он человек.»

در این جمله گروه‌واژه سببی دارای حرف اضافه وجود دارد، ولی حرف اضافه به‌کاررفته برای بیان هدف است، نه دلیل. علت این امر آن است که حرف اضافه «для» در زبان فارسی به‌صورت «به‌خاطر/ برای» ترجمه می‌شود و به‌طور طبیعی زبان‌آموز همین حروف اضافه را در تمامی موارد مشابه جایگزین می‌کند. در ترجمه بالا به زبان روسی خطا از دو موضع ناشی می‌شود:

۱. عدم آشنایی زبان‌آموز با حروف ربط سببی‌ساز:

۲. عدم آگاهی از هدایت نحوی<sup>۱</sup> فعل.

در جمله بالا فعل گریه کردن از افعالی است که با حرف اضافه «от» به کار می‌رود.

نمونه دیگری از بروز خطا در ساختار مشابه:

Мне кажется, его спокойствие происходит от ограниченности. (Островский)

«به نظر من می‌رسد که آرامش او به خاطر کوته‌نظری است». زبان‌آموز این جمله را به این

صورت به روسی بیان می‌کند:

Мне кажется, его спокойствие- это для ограниченности.

## ۶. نتیجه‌گیری

با توجه به تفاوت رده‌شناسی زبان‌های روسی و فارسی و تعلق آن‌ها به گروه زبان‌های تصریفی و تحلیلی دلیل اینکه زبان‌آموزان کمتر در پی استفاده از ساختارهای سببی ساختارهای هستند مشخص است. علت اصلی تمایل زبان‌آموزان، کاربرد بیشتر ساختارهای سببی واژگانی و تحلیلی در زبان مادری است که منجر به بروز خطا در بیان جملات سببی با حروف اضافه است. از تحلیل جملات بررسی شده می‌توان دلیل بروز خطاهای زبان‌آموزان را چنین توصیف کرد:

۱. عدم انطباق جایگاه مبتدا و خبر در دو زبان. در زبان روسی آن قسمت از جمله که اهمیت بیشتری دارد و حاوی اطلاعات جدیدی است در پایان جمله می‌آید، در حالیکه در زبان فارسی عکس این قضیه صادق است. آگاهی از این امر در تعیین جایگاه اجزای کلام در جمله‌هایی مهم است که به عنوان معادل جمله روسی در نظر گرفته می‌شود (مثال ۳):

۲. عدم آشنایی با حروف ربط سببی. حتی در مواردی که زبان‌آموزان سعی می‌کنند از ساختارهای با حرف اضافه استفاده کنند، عدم آشنایی با حروف ربط سببی منجر به انتخاب حروف ربط غیرسببی با مفهوم مشابه می‌شود (مثال ۱ و ۴):

۳. عدم تشخیص تفاوت افعال سببی از افعال غیرسببی. در چنین مواردی زبان‌آموزان رابطه سببی و ارتباط بین سبب‌ساز و سبب پذیر را درک نمی‌کنند، اما عدم تشخیص فعل سببی در زبان روسی از معادل غیرسببی آن منجر به بروز خطا و ساخت یک جمله نامفهوم می‌شود (مثال ۲).

1. управление



۴. عدم‌آشنایی با موارد کاربرد هر یک از حروف ربط سببی. از آنجاکه در زبان روسی حروف ربط от по, благодаря, за, из و ... حروف ربط سببی به‌شمار می‌آیند و برای استفاده از هر یک در ترکیبات متفاوت معنایی - ساختاری قواعد خاصی وجود دارد و در زبان فارسی تعریف مشابهی برای کاربرد حروف ربط سببی وجود ندارد؛ یعنی در اکثر ترکیبات معنایی - ساختاری می‌توان جای حروف اضافه را عوض کرد: به‌علت/ به‌خاطر/ به‌سبب/ در نتیجه وجود درختان بلند اتاق تاریک شده بود. زبان‌آموزان به اشتباه هر یک از این حروف را در یک ساختار نادرست قرار می‌دهند.

از آنجا که در آموزش زبان روسی در ایران با افراد بزرگسال سروکار داریم و بزرگسالان آگاهانه زبان را یاد می‌گیرند، به‌نظر می‌رسد اساتید و مدرسین زبان روسی باید به مقایسه موضوعی مباحثی که در دو زبان منطبق نیستند و چه‌بسا مانند ساختارهای موردبررسی تفاوت بسیار دارند توجه کنند و ضمن تدریس دلایل مربوط به استفاده از چنین ساختارهایی به موارد زیر دقت کنند:

(۱) تشریح دلایل انتخاب حرف یا حروف اضافه مربوطه؛

(۲) اهمیت ارتباط حرف اضافه سببی با نوع رابطه سبب‌ساز و سبب‌پذیر در انتخاب ساختار

درست؛

(۳) تفاوت افعال سببی از افعال غیرسببی را کاملاً روشن ساخته و با در اختیار قراردادن مثال‌ها و نمونه‌های مرتبط با موضوع، ذهنیت زبان‌آموز را نسبت به این مسئله کاملاً روشن سازند و بدین وسیله تحقق اهداف عملی آموزش را که همانا کسب توانایی و مهارت در تسلط به زبان خارجی است، ممکن سازند.

## ۷. منابع

- عماد افشار، حسین. (۱۳۷۳). *دستور و ساختمان زبان فارسی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- افراشی، آریتا. (۱۳۸۶). *ساخت زبان فارسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فالک، جولیا. (۱۳۷۷). *زبان‌شناسی و زبان، بررسی مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی*.

- ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی.
- بهرامی خورشید، سحر. (۱۳۸۶). *ساختارهای سببی در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
  - دبیرمقدم، محمد. (۱۳۶۷). «ساختارهای سببی در زبان فارسی». *مجله زبان‌شناسی*. س ۵. ش ۱. صص ۱۳-۷۵.
  - باقری، مه‌ری. (۱۳۷۸). *مقدمات زبان‌شناسی*. تهران: نشر قطره.
  - Виноградов В.В. (1990). *Проблемы литературных языков и закономерностей их образования и развитию*. Москва: Русский язык.
  - Золотова Г.А. (2001). *Синтаксический словарь: репертуар элементарных единиц русского синтаксиса*. Москва: УРСС.
  - Дунаева Л.А. и др. (2000-2001). *Русский язык: учебно-справочный комплекс.-часть 2: русский синтаксис*. Москва: Астрей.
  - Whaley, Lindsay J. (1997). *Introduction to Typology: the Unity and Diversity of language*. USA: Sage Publications.
  - Comrie, Bernard. (1992). *language Universal and Linguistic Typology: syntax and morphology*. England: Blackwell.
  - Lakoff, George. (1987). *Women, Fire and Dangerous Things*. Chicago: Chicago University Press.
  - Lee, David. (2001). *Cognitive linguistics: An introduction*. Oxford: Oxford university press.